

Netfilter & IPTables

محدوده:

بررسی ساختار پردازش بسته های شبکه در لینوکس

تاریخچه:

ردیف	نویسنده	تاریخ	شماره ویرایش	توضیحات
۱				
۲	تحقیق و توسعه فنی و مهندسی	۱۳۸۹	۲.۰.۰	
۳	تحقیق و توسعه فنی و مهندسی	۱۳۹۳	۲.۱.۰	

کلیه حقوق مادی و معنوی این مستند به شرکت مهندسی شبکه پویش داده نوین تعلق دارد.

فهرست مندرجات

۳	- چکیده
۳	- کلید واژه ها
۳	۱- <i>Netfilter</i> یا ساختار پردازش بسته های شبکه
۴	۱.۱- <i>NetFilter</i>
۶	۲- <i>IPtables</i> : ساختار پلایش بسته های <i>IP</i>
۸	۲.۱- قانونها در <i>IPtables</i>
۹	۲.۲- جستجو در <i>IPtables</i>
۱۰	۲.۳- سطوح مختلف <i>IPtables</i>
۱۰	۲.۴- فعالیتهای مدیریتی کاربر
۱	۲.۵- طریقه نگهداری اطلاعات جداول در سطح بسته
۱	۲.۶- طریقه ذخیره سازی قانونها
۲	۳- پارامترهای کارآیی

فهرست تصاویر

۵	تصویر ۱: شمای <i>hook</i> ها در <i>Netfilter</i>
۲	تصویر ۲ : شمایل حافظه ای یک قانون

فهرست جداول

فهرست ضمائم

چکیده

ساختار *Netfilter* جهت پردازش پویای بسته های شبکه در سیستم عامل لینوکس طراحی و پیاده سازی شده است. این مستند ضمن معرفی معماری *Netfilter*، معماری *Iptables* به عنوان ابزاری پیاده سازی شده بر مبنای *Netfilter* برای پالایش (*Filtering*) بسته های شبکه، را مورد بررسی قرار میدهد.

کلید واژه ها

Linux, Netfilter, Iptables

۱ *Netfilter* یا ساختار پردازش بسته های شبکه

انجام پردازش دلخواه بر روی بسته های شبکه (بسته های متعلق به پروتکل های لایه شبکه) مستلزم شناخت مناسب *Protocol Stack* مربوط به پروتکل مربوطه می باشد. *Protocol Stack* نمایشگر پردازش های انجام گرفته بر روی بسته شبکه و همچنین ترتیب آنها در امتداد مسیرهای پردازشی می باشد.

مسیرهای پردازشی بیان منطقی سیر حرکت بسته شبکه در درون سیستم می باشند. مسیر عبوری شامل بسته هایی می باشد که خواستار عبور از سیستم ما هستند. این مسیر در هنگامی که سیستم به عنوان یک مسیریاب یا دروازه مورد استفاده قرار می گیرد ایجاد می شود. مسیر ورودی شامل بسته هایی می باشد که از سیستم های دیگر به هدف سیستم ما گسیل داده شده اند و مسیر خروجی نیز بسته هایی را شامل می شود که از سیستم ما به سمت سیستم های دیگر فرستاده شده اند.

تصمیم بر انجام تغییر دلخواه بر روی بسته شبکه مستلزم شناخت مکان مناسب در مسیرهای پردازشی، در درون لایه شبکه، و سپس انجام تغییر در پردازش صورت گرفته در آن مکان می باشد. این موضوع تا اندازه ای سلامت ساختار *Protocol Stack* را به خطر می اندازد.

ساختار پردازش، تلاشی برای ایجاد امکان دستکاری دلخواه بسته‌های شبکه بدون ایجاد تغییر در ساختار *Protocol Stack* سیستم، می‌باشد.

در این شیوه برای هر پروتکل، مکانهایی خاص به منظور انجام پردازشهای دلخواه، در مسیرهای پردازشی پروتکل مربوطه، تعریف می‌شوند. خاصیت اصلی این مکانها توانایی ثبت فانکشنهای خواهان پردازش بسته‌های شبکه و نگهداری ترتیبی آنها، بر اساس اولویت، می‌باشد. هنگامی که یک بسته شبکه در مسیر پردازشی خود خواهان عبور از این نقاط باشد، این مکانها، بر اساس ترتیب ثبت فانکشنها، بسته را به ترتیب در اختیار تک تک آنها قرار می‌دهند. هر فانکشن موظف می‌باشد تا بعد از انجام پردازش دلخواه، اجازه عبور و یا فرمان حذف بسته را از گردونه صادر کند.

این ساختار در سیستم عامل لینوکس با نام *netfilter* شناخته می‌شود.

۱.۱ NetFilter

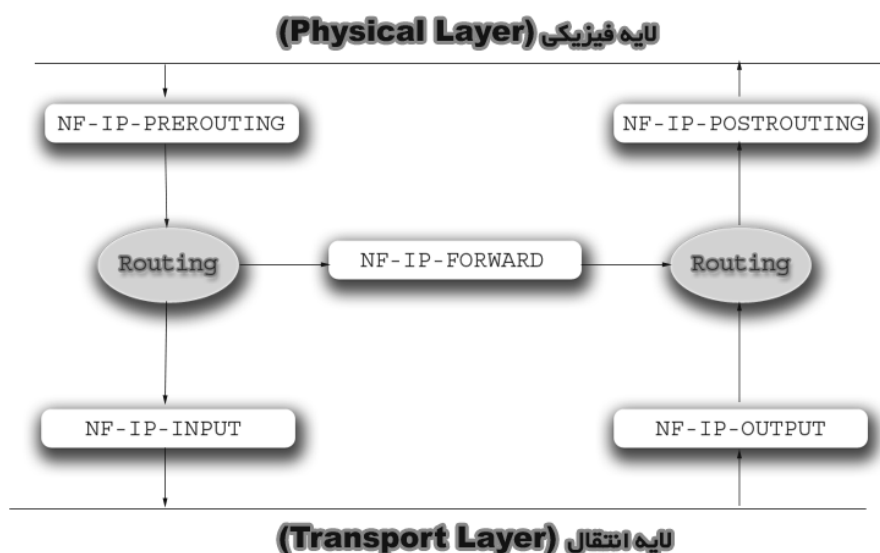
netfilter چهارچوبی است برای مدیریت و پردازش بسته‌های شبکه، مستقل از پروتکل مربوطه. از دیدگاه پیاده‌سازی، *netfilter* جایگاهی برای نگهداری ماژولهای خواهان پردازش بسته‌های شبکه، در قالب مجموعه‌هایی با نام *hook* که توسط پروتکل‌های مختلف در *netfilter* تعریف شده‌اند، می‌باشد. *hook*ها همان مکانهای ثبت فانکشنها در تعریف ساختار پردازش می‌باشند.

در صورتی که بسته‌ای خواستار عبور از درون مجموعه‌ای مشخص (*hook*) باشد، این بسته توسط *netfilter* در اختیار تک تک ماژولها قرار می‌گیرد، ماژولها مشخص کننده وضعیت بسته عبوری خواهند بود، یعنی می‌توانند بنا به تصمیمات خود به آن اجازه عبور بدهند (*NF-ACCEPT*)، آن را از گردونه حذف کنند (*NF-DROP*) و یا آن را برای انجام پردازش در سطح کاربر در صف قرار دهند (*NF-QUEUE*) و

پروتکل *IP*، به منظور مدیریت آسان بسته‌های *IP*، پنج مجموعه را در این چهار چوب تعریف می‌کند. می‌توانید نحوه نامگذاری این مکانها و نحوه عبور بسته‌های *IP* از درون آنها، را در شکل ۱ مشاهده کنید. هر ماژولی که خواستار بررسی و تعیین وضعیت بسته‌های *IP* باشد می‌تواند خود را در یکی از این مجموعه‌ها ثبت کند.

این گونه رفتار با بسته‌های *IP* این امکان را به ما می‌دهد تا بدون دستکاری در ساختار *Protocol stack* بتوانیم

به اهداف خود، نظیر پیاده‌سازی دیوارهای آتش و انجام اعمال NAT^۱، دست یابیم.



تصویر ۱: شمای hookها در Netfilter

این ارتباط راهگشایی ما در یافتن مکان مناسب برای مدیریت بسته‌ها خواهد بود. به عنوان مثال برای انجام عمل *filtering* مجموعه‌های *NF-IP-INPUT*، *NF-IP-OUTPUT*، *NF-IP-FORWARD* انتخاب شده‌اند. بدین صورت، تمام بسته‌های عبوری از سیستم تنها در یک مکان بررسی خواهند شد.

مثالی دیگر: برای انجام عمل *NAT*، مجموعه‌های *NF-IP-PREROUTING*، *NF-IP-OUTPUT* برای انجام عمل انتقال آدرس مبدا^۲ و *NF-IP-POSTROUTING* برای انتقال آدرس مقصد^۳، انتخاب شده‌اند. به هر صورت این چهارچوب امکان بسیار خوب و ساده‌ای را در اختیار پیاده‌سازان دیوارهای آتش قرار داده است.

1 Network Address Translation
2 Source NAT
3 Destination NAT

۲ *IPtables* : ساختار پالایش بسته‌های IP

پالایش بسته‌های شبکه به معنی تقسیم جریان واحد بسته‌ها در قالب جریان‌های مختلف برای انجام پردازش‌های متنوع بر روی هر جریان می‌باشد. هر جریان توسط یک قانون که شرایطی را بر فیلدهای سرآیند بسته شبکه اعمال می‌کند، مشخص می‌شود.

ساختار پالایش بسته‌های *IP (iptables)* به دنبال ایجاد چهارچوبی جهت ذخیره‌سازی و مدیریت مناسب قانونها می‌باشد. این ساختار سعی خواهد کرد تا با توجه به استراتژی و سیاست خود در مدیریت قانونها، امکان تعیین تکلیف بسته را با توجه به قانونهای موجود فراهم آورد.

ملزومات هر ساختار پالایش عبارتند از:

۱- ساختمان داده انباره

۲- ساختمان داده قانون

۳- رابط مدیریت قانونها

۴- رابط ایجاد انباره

۵- رابط مدیریت انباره

۶- الگوریتم جستجو

۷- رابط تعیین تکلیف بسته

بدین صورت در پیاده‌سازی یک فرآیند دسته‌بندی نیازی به پیاده‌سازی یک انباره و الگوریتم جستجوی مستقل نخواهد بود، بلکه می‌توان از ویرایش موجود در ساختار پالایش استفاده کرد. در این ساختار هر فرآیند می‌بایست پردازش‌های و تطابق‌های مناسب برای قوانین متعلق به خود را تعریف و همچنین ملزومات لازم برای انجام مناسب آنها را فراهم آورد (با توجه به اینکه هر قانون شامل چند تطابق و یک پردازش می‌باشد).

ساختار پالایش بسته‌های *IP*، از تقسیم موضوعی فرآیند دسته‌بندی بسته‌های شبکه به منظور ایجاد چندین فرآیند دسته‌بندی، مربوط به موضوعات کاری مختلف (*filter*, *NAT*, *mangle*, ...)، استفاده می‌کند. طرح این عمل بدان دلیل می‌باشد که محقق شدن هر موضوع کاری در مکان‌های خاصی از ساختار پالایش

بسته IP امکانپذیر می‌باشد، چنانکه عمل NAT هرگز نمی‌تواند در مکان FORWARD انجام شود، چرا که تنها مکانهای مناسب برای آن قبل و بعد از انجام عمل مسیریابی می‌باشند، و به همین صورت نمی‌توان عمل *filtering* را در مکان PREROUTING انجام داد چرا که این موضوع ناقض قانون تست بسته تنها در یک مکان (فقط یک مرتبه) در موضوع کاری *filter* می‌باشد. در نتیجه به جای ساخت یک موضوع کاری گنده و وزین با تقسیم آن به موضوعات کاری مختلف که نیازهای متفاوتی را می‌طلبند، پیاده‌سازی‌های جداگانه‌ای را برای هر یک انجام داده است.

هر موضوع کاری در ابتدای شروع به کار خود، انبارهای را در *IPTables* با نام خودش ایجاد می‌کند، و سپس به منظور اعمال قوانین دسته‌بندی، خود را در مکان‌های مناسب ساختار پردازش بسته‌های IP ثبت می‌کند. ثبت در مکانها با توجه به هدف مورد نظر موضوع کاری انجام می‌شود.

IPTables به منظور مدیریت بهتر بسته‌های شبکه فضای انبارهای خود را به واحدهایی با نام زنجیره^۴ تقسیم کرده است. هر موضوع کاری در هنگام ایجاد انبار خود، زنجیره‌هایی^۵ را متناظر با مکانهای ثبت در ساختار پردازش بسته‌های IP، ایجاد می‌کند تا بدین طریق مدیریت بسته‌های عبوری از هر مکان با استفاده از قانونهای موجود در زنجیره متعلق بدان مکان انجام شود.

وجود زنجیره‌ها در هر انبار، با خصوصیات ذکر شده در بالا، امکان انجام پردازشهای جداگانه در امتداد مسیرهای پردازشی مختلف، بر روی بسته‌های شبکه، را فراهم می‌کند.

هر موضوع کاری با دریافت یک بسته، رابط تعیین تکلیف بسته (این رابط یک فانکشن با نام *ipt_do_table* می‌باشد) را فراخوانی می‌کند و *IPTables* نیز با توجه به موضوع کاری فراخواننده، انبار مناسب را، و با توجه به مکان دریافت بسته در ساختار پردازش IP، زنجیره مربوطه را مشخص و به جستجو در بین قوانین موجود در آن زنجیره به منظور تعیین تکلیف بسته می‌پردازد.

انبارهای ایجاد شده در *IPTables* با نام جدول^۶ شناخته می‌شوند، که دلیل نامگذاری آن به صورت *IPTables* وجود جداول مختلف، مربوط به موضوعات کاری گوناگون، می‌باشد.

-
- 4 Chain
 - 5 Builtin Chains
 - 6 Table
 - ۷

۱.۲ قانونها در *Iptables*

هر قانون در *Iptables* از سه قسمت تشکیل می‌شود:

۱- **شناسه:** شامل آدرس مبدا، آدرس مقصد، درگاه ورودی، درگاه خروجی و پروتکل بسته شبکه می‌باشد. این اطلاعات، بسته‌های شبکه متعلق به جریانی را که این قانون نمایندۀ آن می‌باشد، به صورت ایستا متمایز می‌کند.

۲- **تطابق‌ها:**^۷ فانکشنهایی می‌باشند که بسته‌های شبکه را به طرز دلخواه پردازش می‌کنند. هر قانون می‌تواند صفر یا چند تطابق داشته باشد. شرط تطابق بسته با یک قانون در مرحله اول تطابق با شناسۀ قانون و در مرحله دوم پذیرفته شدن توسط تک تک تطابقها می‌باشد.

۳- **پردازش:**^۸ (مشخص‌کننده تکلیف بسته) یک فانکشن یا نام یک زنجیره و یا یک مورد استاندارد می‌باشد. پردازش برای یک بسته در صورتی فراخوانی خواهد شد که بسته با قانون تطابق داشته باشد.

✘ در حالت استاندارد به صورت مستقیم تکلیف بسته را مشخص می‌کند (برای آگاهی از مقادیر استاندارد نگاه کنید به قسمت جستجو در *Iptables* - فرمانهای صادره).

✘ در صورت بیان پردازش به صورت یک فانکشن، بسته به منظور انجام پردازش در اختیار فانکشن قرار می‌گیرد و تکلیف بسته توسط فانکشن مشخص خواهد شد.

✘ فقط زنجیره‌های کاربر^۹ می‌توانند به عنوان پردازش مورد استفاده قرار گیرند. این زنجیره‌ها توسط کاربران *Iptables* تعریف می‌شوند و متفاوت از زنجیره‌هایی هستند که توسط موضوعات کاری ایجاد می‌شوند، چرا که این زنجیره‌ها قابل حذف شدن هستند درست بر خلاف زنجیره‌های متعلق به موضوعات کاری. وجود این زنجیره‌ها به منظور ایجاد فضای پردازش انعطاف‌پذیر و پویا می‌باشد. در این حالت تمام بسته‌های مطابق با این قانون به درون زنجیره ذکر شده گسیل داده خواهند شد و بدین صورت قانونهایی موجود در آن زنجیره مشخص‌کننده تکلیف بسته خواهند بود.

تطابقها و پردازشها(به صورت فانکشن) جزو ابزار توسعه *Iptables* به حساب می‌آیند. این موضوع بدان معنی

7 Maches
8 Target
9 User Chains
۸

است که ساخت و گسترش آنها نیازی به ایجاد تغییر در *IPtables* ندارد بلکه با استفاده از رابطی که به همین منظور در نظر گرفته شده است این ابزارها امکان ثبت و استفاده شدن دارند.

قدرت *IPtables* در حد زیادی وابسته به پردازشها و تطابقهای مناسب و مفیدی می باشد که برای آن ساخته شده اند. هر موضوع کاری برحسب نیاز خود پردازشهای خاص خود را تعریف می کند، به عنوان مثال *NAT* پردازشهای *DNAT* و *SNAT* را که فقط در جدول *nat* مجاز می باشند، تعریف می کند. اصولاً ساخت تطابقها و پردازشها بر اساس اهداف مورد نظر سازندگان صورت می گیرد که مانع استفاده از آنها را در تمام جداول و زنجیره ها می گردد.

۲.۲ جستجو در *IPtables*

در پی فراخوانی رابط تعیین تکلیف بسته توسط یک موضوع کاری و مشخص شدن جدول و زنجیره متناظر، عمل جستجو در بین قانونهای آن زنجیره آغاز می شود.

جستجو در بین قانونهای زنجیره به صورت ترتیبی انجام می شود و تا مشخص شدن تکلیف بسته ادامه پیدا می کند. هر قانون می تواند چهار گونه فرمان را صادر کند:

۱- فرمان پذیرش (*ACCEPT*): در این صورت عمل جستجو متوقف و به بسته اجازه عبور داده خواهد شد.

۲- فرمان حذف (*DROP*): در این حالت نیز همچون حالت قبل عمل جستجو متوقف می شود ولی بسته از گردونه حذف می شود.

۳- فرمان ادامه جستجو (*CONTINUE*): در این مورد جستجو از قانون بعدی ادامه پیدا می کند.

۴- فرمان بازگشت (*RETURN*): به معنی بازگشت به زنجیره فراخواننده و ادامه جستجو از قانون بعد از قانون فراخواننده می باشد. این مورد هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که ما در یک زنجیره فراخواننده شده باشیم (زنجیره های کاربر) و بخواهیم به زنجیره قبلی بازگردیم.

۵- فرمان صف بندی (*QUEUE*): در این حالت بسته برای پردازش در سطح کاربر، به درون صف رانده می شود و عمل جستجو متوقف می شود.

پردازش هر قانون وظیفه صدور فرمان را بر عهده دارد. در هنگام جستجو، بر اساس شروط اعمال شده توسط هر قانون (شناسه و تطابقها)، تطابق بسته تصمیم گیری می شود. در صورت بروز تطابق پردازش قانون فراخوانی و فرمان توسط آن صادر می شود.

در این جستجو، حصول به تطابق عامل توقف جستجو نیست بلکه فرمان صادره از سوی پردازش قانون تطابق یافته مبنای تصمیم گیری می باشد. به عبارتی جستجو در صورت مشخص شدن تکلیف بسته، متوقف خواهد شد.

۳.۲ سطوح مختلف IPtables

ساختار پالایش، مجموعه ای از دو ویرایش در دو سطح هسته و کاربر می باشد. سطح هسته^{۱۰} وظیفه مدیریت بسته های شبکه و انجام عمل جستجو، و سطح کاربر^{۱۱} وظیفه مدیریت انبارها را بر عهده دارند. در سطح هسته قانونها توسط ماژول *ip_tables* نگهداری و بسته ها توسط آن مدیریت می شوند. در سطح کاربر دستور *iptables* در پوسته^{۱۲} لینوکس، رابط کاربران در سطح کاربر با ماژول *ip_tables* در سطح هسته، وظیفه مدیریت اطلاعات موجود در انبارها را بر عهده دارد.

۴.۲ فعالیتهای مدیریتی کاربر

تمامی فعالیتهای مدیریتی توسط کاربران سیستم و به وسیله دستور *iptables* در پوسته لینوکس انجام می شود. عمده این فعالیتهای عبارتند از:

۱- اضافه، حذف و جایگزینی قانون: از مهمترین و پرکاربردترین فعالیتهای مدیریتی می باشند. در تعریف هر قانون، کاربر بعد از مشخص کردن جدول و زنجیره ای که خواستار مدیریت قانون در آن می باشد، اقدام به تعریف شناسه، بیان تطابقها و در پایان، بیان پردازش مربوطه می کند. با توجه به ذخیره ترتیبی قانونها از شماره قانون برای انجام اعمال حذف و جایگزینی می توان استفاده کرد. مثال:

```
iptables -t filter -A FORWARD -s 1.1.1.1 -d 2.2.2.2 -m state --state NEW -j DROP
```

10 Kernel Space

11 User Space

12 Shell

۱۰

در این مثال یک قانون به جدول *filter* زنجیره *FORWARD* اضافه خواهد شد. شناسه این قانون دارای آدرس مبدا ۱.۱.۱.۱ و آدرس مقصد ۲.۲.۲.۲ می‌باشد. بیان نشدن درگاه‌های ورودی و خروجی و پروتکل مربوطه به معنای اجازه پذیرش تمامی موارد می‌باشد. این قانون از تطابق *state* و پردازش استاندارد با مقدار *DROP* استفاده می‌کند. این قانون تمامی بسته‌های ارسالی از ۱.۱.۱.۱ به ۲.۲.۲.۲ را که در مرحله برقراری ارتباط باشند، حذف خواهد کرد.

۲- **تغییر سیاست زنجیره:** *IPtables* امکان تعریف سیاست زنجیره^{۱۳} را برای زنجیره‌های *Built-in* فراهم می‌کند. در این صورت اگر قانون‌های موجود در یک زنجیره نتوانستند تکلیف بسته را مشخص کنند از سیاست زنجیره برای تعیین تکلیف بسته استفاده می‌شود. سیاست زنجیره می‌تواند مقادیر *ACCEPT* و *DROP* را اختیار کند. مثال:

```
iptables -t filter -P INPUT DROP
```

چنانکه مشاهده می‌شود سیاست زنجیره *INPUT* در جدول *DROP*، *filter* تعریف شده‌است. به عبارتی از ورود بسته‌هایی که قانونی برای آنها وجود ندارد به سیستم محلی، جلوگیری می‌شود.

۳- **ایجاد، حذف و تغییر نام زنجیره‌های کاربر:** کاربران می‌توانند برای ایجاد محیط پردازش مناسب، زنجیره‌هایی را در جداول تعریف کنند. می‌توان از این زنجیره‌ها به عنوان پردازش در تعریف قانون‌های آن جدول استفاده کرد. این زنجیره‌ها توانایی پذیرش سیاست زنجیره را ندارند. مثال:

```
iptables -t nat -N newCHAIN
```

این دستور زنجیره تازه‌ای را با نام *newCHAIN* در جدول *nat* ایجاد می‌کند.

۴- **پاک‌سازی جداول^{۱۴}:** با استفاده از این دستور کاربر قادر خواهد بود تا تمام قانون‌های موجود در یک جدول را حذف کنند.

13 Chain Policy

14 Flush

۵.۲. **طریقه نگهداری اطلاعات جداول در سطح هسته**

تفکر حاکم در پیاده‌سازی *IPtables* استفاده از حافظه پیوسته و ذخیره‌سازی اطلاعات لازم به صورت متوالی در درون این حافظه پیوسته می‌باشد. عمده دلیل روی‌آوری پیاده‌سازان *IPtables* به این شیوه، فراهم کردن بهینه‌ترین محیط برای انجام جستجوی ترتیبی می‌باشد، چرا که سیر کردن در یک فضای حافظه‌ای پیوسته به مراتب ساده‌تر و سریعتر از حرکت در یک فضای حافظه‌ای پراکنده می‌باشد.

از سوی دیگر به دلیل تمرکز فعالیت‌های مدیریتی در سطح کاربر، انجام هر گونه تغییر در انباره مستلزم انتقال انباره مورد درخواست به سطح کاربر و، بعد از انجام به‌هنگام‌سازی انباره در سطح کاربر، انتقال انباره به‌هنگام‌شده از سطح کاربر به سطح هسته و جایگزینی با انباره قدیمی می‌باشد. انجام این امور با حافظه‌های پیوسته، به مراتب، ساده‌تر خواهد بود چرا که هر انتقال را می‌توان با کپی کردن حافظه مربوط به انباره، از سطح کاربر به سطح هسته و بالعکس، انجام داد.

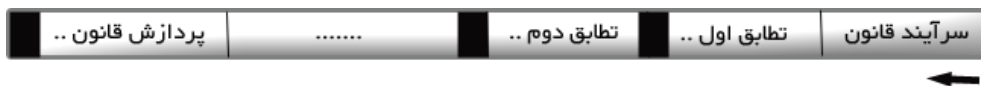
این تفکر باعث روی‌آوری پیاده‌سازان به استفاده از ابتکارت جالبی در تعریف ساختارها نیز شده‌است. به منظور دسترسی مناسب و ساده‌تر به فضای انتهای ساختارهایی که به صورت متوالی در یک فضای پیوسته ذخیره می‌شوند، *IPtables* از تعریف آرایه‌هایی با طول صفر در انتهای این ساختارها استفاده می‌کند. این آرایه‌ها به هیچ عنوان فضایی را اشغال نمی‌کنند، بلکه نام آنها اشاره‌گری به انتهای ساختار مربوطه خواهد بود و در هنگام برنامه‌نویسی می‌توان از نام آنها برای دسترسی به فضای دنباله این ساختار استفاده کرد. استفاده از این تعاریف باعث جابجایی آسان در حافظه می‌شود.

۶.۲. **طریقه ذخیره‌سازی قانونها**

یک قانون در *IPtables* به صورت یک حافظه پیوسته می‌باشد که اطلاعات یک قانون به ترتیب سرآیند، تطابقها و پردازش در آن قرار می‌گیرند. ساختار سرآیند، در پیاده‌سازی انجام شده، علاوه بر شناسه، فیلدهای گوناگونی را برای شناسایی طول قانون و مکان پردازش قانون، با خود یدک می‌کشد.

تطابقها و پردازشها می‌توانند اطلاعات مختلفی را از کاربر برای انجام پردازشهای خود دریافت کنند. این

اطلاعات در حافظه قانون در ادامه حافظه متعلق به تطابق و یا پردازش مربوطه قرار می‌گیرد (قسمتهای تیره در شکل زیر). اندازه حافظه این اطلاعات بستگی به پردازش و یا تطابق مربوطه داشته و توسط آنها در هنگام ثبت مشخص می‌شود. شمایل حافظه‌ای یک قانون در تصویر ۲ نمایش داده شده است.



تصویر ۲: شمایل حافظه‌ای یک قانون

۳ پارامترهای کارآیی

سرعت جستجو: پیچیدگی الگوریتم جستجوی خطی از مرتبه $O(n)$ می‌باشد، به عبارتی با افزایش تعداد قانونهای موجود در انباره، انتظار می‌رود که سرعت فرآیند جستجو کاهش یابد.

یکی از مزایای نسبی *IPtables* برای انجام جستجوی خطی، ذخیره‌سازی قانونها به صورت متوالی در یک حافظه پیوسته می‌باشد. در آزمایشهای انجام شده مشخص شد که این گونه پیاده‌سازی، با تعداد قوانین ۱۰۰۰-۱۲۰۰، هیچگونه بار اضافی بر سیستم تحمیل نمی‌کند اما در ۲۰۰۰، کارآیی شبکه به نصف کاهش می‌یابد.

به عبارتی پیوسته بودن حافظه به عنوان یک استراتژی مناسب در پیاده‌سازی الگوریتم جستجوی خطی توانسته تا با بهره‌گیری مناسب از پردازنده سیستم، پیچیدگی الگوریتم جستجوی خطی را برای ۱۰۰۰ قانون به صورت $O(1)$ نگه دارد. دستیابی به این موضوع بدون شک ارتباط مستقیم با معماری پردازنده و معماری سیستم عامل استفاده شده دارد.

اما عدد ۱۰۰۰ در دنیای کنونی دیگر عدد بزرگی به حساب نمی‌آید. امروزه نیاز به تعریف و مدیریت بیش از ۳۰۰۰۰ قانون در دیوارهای آتش وجود دارد، که تصور حمایت از این تعداد قانون توسط *IPtables* کاملاً دور از ذهن و غیر عملی می‌باشد. این موضوع با انجام تست عملی نیز ثابت شد چنانکه در تعداد ۱۱۰۰۰ قانون، کارآیی یک شبکه با ظرفیت *100mbps* به عدد *4mps* کاهش یافت.

آنچه که به عنوان ضعف اصلی *IPtables* به حساب می‌آید کاهش شدید کارآیی شبکه در تعداد بالای قانونها

(نیاز اصلی دیوارهای آتش امروزی) می باشد.

حافظه مصرفی: اصولاً معضل اصلی در الگوریتمهای دسته بندی، تقابل حافظه و زمان می باشد. بدان معنی که توجه و حصول به کارآیی مناسب در یکی از این دو، باعث قربانی شدن دیگری می شود. الگوریتمهایی دارای مقدار حافظه معقول و در مقابل زمان پاسخگویی نامناسب و تعدادی نیز حافظه زیادی را برای رسیدن به زمان مناسب اشغال کرده اند. اندک الگوریتمهایی با کارآیی مناسب در هر دو حوزه نیز وجود دارند (*Hicuts*).

جستجوی خطی از جنبه تئوریک جزو الگوریتمهایی به حساب می آید که زمان را قربانی حافظه اشغالی کرده است، چرا که برای ذخیره سازی قانونها از هیچگونه ساختار اضافی (در کنار ساختار قانونها) استفاده نمی کند و آنها را به صورت یک لیست نگهداری می کند، در مقابل جستجوی خطی آن از مرتبه $O(n)$ می باشد.

Iptables به عنوان یک پیاده سازی از الگوریتمهای جستجوی خطی، جزو آن دسته از پیاده سازیها به حساب می آید که در هر دو زمینه ضعف دارد.

در پیاده سازی *Iptables* برای حمایت از چندپردازندگی^{۱۵} و پرهیز از استفاده از *Lock* های سیستم به منظور مدیریت نواحی بحرانی ایجاد شده، حاصل از همروندی فعالیت پردازنده ها، و حصول به سرعت بیشتر و نفس منطبق چندپردازندگی، به ازای هر پردازنده یک کپی از انبارهای موجود در *Iptables* تهیه می شود. بدین صورت هر پردازنده بر روی کپی متناظر خود تمرکز کرده و از ایجاد مزاحمت توسط پردازنده های دیگر نیز مصون می باشد.

این موضوع به طرز قابل توجهی حافظه مصرفی توسط *iptables* را افزایش داده است. با توجه به اینکه تنها عمل نوشتاری که توسط پردازنده ها انجام می شود به هنگام سازی شمارنده های قانونها می باشد (شمارنده ها نمایشگر تعداد و طول بسته های تطابق یافته با قانون مربوطه می باشند) و طریقه استفاده از دیگر فضای اشغالی به صورت خواندنی می باشد، حجم زیادی از این فضای اشغال شده، کاملاً، غیر ضروری می باشد.

سرعت به هنگام سازی: تمام فعالیتهای به هنگام سازی در سطح کاربر انجام می شود. صدور هر فرمان به هنگام سازی، از جانب کاربر، مستلزم انجام مراحل زیر می باشد:

۱- انتقال حافظه انبار مورد نظر از سطح هسته به سطح کاربر

۲-انجام تغییرات خواسته شده در انباره

۳-انتقال انبارۀ به هنگام شده به سطح هسته

۴-جاگزین کردن اطلاعات قدیمی با اطلاعات جدید.

حجم زیاد تبادل اطلاعات بین سطوح هسته و کاربر و انجام فعالیت‌های پیچیده مدیریت حافظه در هر مرتبه انجام تغییرات، سرعت به‌هنگام‌سازی را در حد قابل توجهی کاهش داده است.

با توجه به این کاستی، استفاده از *Iptables* در یک محیط محاوره‌ای به هیچ عنوان مناسب نمی‌باشد.

مقیاس‌پذیری در تعداد فیدهای استفاده شده برای دسته‌بندی: هر قانون در *Iptables* از سه جزء شناسه، تطابقها و پردازش تشکیل می‌شود. یک قانون می‌تواند هر تعداد تطابق را اختیار کند که این موضوع همان مسئله مقیاس‌پذیری می‌باشد.

از طرف دیگر تطابقها و پردازشها جزو ابزار توسعه *Iptables* شناخته می‌شوند که ساخت آنها نیازی به تغییر در *Iptables* ندارد. در نتیجه می‌توان تطابق‌های دلخواه را نیز پیاده‌سازی کرد.

امکان استفاده از تطابق‌های گوناگون، بدون محدودیت در تعداد، در یک قانون، امکان دسته‌بندی بسته‌های شبکه بر اساس فیلدهای مختلف را فراهم می‌آورد.

این موضوع یکی از پارامترهای بسیار مثبت و زیبای *Iptables* می‌باشد.